

بررسی نقش مشارکت مردم در کشاورزی پایدار نواحی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان ایجرود بالا، شهرستان ایجرود، استان زنجان)

خدیجه بوذرجمهری - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد
رضا خسروبیگی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد
علی اکبر تقیلو - استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه ارومیه

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۴/۲۶

چکیده

کشاورزی پایدار در دانش بهره‌برداری از منابع در فرایند تولید خلاصه می‌شود. شکل‌گیری این نظام مستلزم فراهم‌سازی بسترهای لازم برای آموزش و انعطاف‌پذیری فکری و تحرک اندیشه در بهره‌برداران است. رهیافت مشارکت می‌تواند به عنوان عامل مؤثر، نقش مهمی در ایجاد دانش و شکل‌گیری نگرش پایدار در کشاورزان ایفا کند. مقاله حاضر سعی دارد با رویکردی جامع و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل نقش مشارکت در کشاورزی پایدار ۱۴ سکونتگاه روستایی دهستان ایجرود بالا در شهرستان ایجرود بپردازد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه، حجم نمونه ۳۳۰ نفر و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های مناسب SPSS انجام شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سطح مشارکت با میانگین ۲/۲۷ پایین‌تر از حد مورد انتظار است. در این بین نتایج به دست آمده مشخص می‌سازند که بین آگاهی و دانش، تعهد و مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری عقلایی ارتباط مستقیمی برقرار است، به گونه‌ای که این سازوکار یا مکانیسم ارتباط مستقیم مشارکت و کشاورزی پایدار را توجیه می‌کند. ضریب همبستگی ۰/۵۵۷ با سطح معناداری ۰/۰۳۸ در آزمون همبستگی اسپیرمن مؤید این امر است. بر همین اساس به منظور بهبود وضعیت کشاورزی پایدار در روستاها، توجه به مقوله مشارکت به عنوان فراگرد تولید دانش اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: مشارکت، دانش و آگاهی، تعهد و مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌گیری عقلایی، کشاورزی پایدار، ایچرود بالا.

مقدمه

کشاورزی پایدار پیش از آنکه دارای نمود عینی باشد، در چارچوب‌های ذهنی می‌گنجد و ارتباط نزدیکی با رفتار عقلایی دارد. نتیجه چنین نگرشی این است که کشاورزی پایدار فعالیتی مبتنی بر عقلانیت پایدار است. عقلانیت آن به ذهن علمی در تصمیم‌گیری و شخصیت کاری و انسان مسئولیت‌پذیر و قاعده‌مند نیاز دارد و پایدار بودن آن منوط به استمرار و تداوم این ویژگی‌هاست. عقلانیت پایدار نمی‌تواند بدون مقدمه و در خلأ به دست آید. شکل‌گیری این عقلانیت نیازمند بستری آموزشی است تا با ایجاد انعطاف ذهنی و فکری در بهره‌برداران زراعی، زمینه لازم برای دستیابی به دانش و آگاهی و درک این مقوله‌ها فراهم آید. امروزه در کشور ما کشاورزی پایدار توجه روزافزون مسئولان و متخصصان را به خود جلب کرده است، به طوری که تاکنون تلاش‌های بسیاری برای برقراری این نظام به ویژه در مناطق روستایی صورت گرفته است. متأسفانه به‌رغم تلاش‌های مسئولان در این بخش و با وجود طرح‌های اجراشده در نواحی روستایی، هنوز بخش کشاورزی نتوانسته است پایداری لازم را به دست آورد. این امر به دلیل شکل‌گرفتن بسترهای لازم برای آموزش و درک مقوله‌های یادشده در کشاورزی پایدار از سوی بهره‌برداران و مسئولان است. در این بین، یکی از رهیافت‌هایی که امروزه می‌تواند نقش مهمی در رفع این مشکل داشته باشد و توانایی لازم را نیز برای ایجاد فضای آموزشی و درک مفاهیم کشاورزی پایدار و ایجاد رفتار عقلایی در بهره‌برداران دارد، مشارکت است. در واقع مشارکت فراگردی است که انعطاف ذهنی و تحرک اندیشه را با خود به همراه دارد و با ایجاد فضای گفتمان بین بهره‌برداران و مروجان کشاورزی و سازمان‌های خدماتی، زمینه را برای آموزش و تبادل اطلاعات فراهم می‌سازد و در دستیابی به اهداف و اصول کشاورزی پایدار مؤثر است.

با همه اینها، هدف تحقیق حاضر، نشان دادن نقش و اهمیت مشارکت روستاییان در فعالیت‌های کشاورزی پایدار است. براین اساس، پرسش‌های تحقیق بدین صورت مطرح می‌شوند که: مشارکت مردم در فعالیت‌های کشاورزی پایدار تا چه حد در تحقق اهداف آن مؤثر

است؟ نیز: مشارکت تا چه میزان در افزایش اطلاعات بهره‌برداران از اصول و مبانی کشاورزی پایدار تأثیر دارد؟ این تأثیر در تصمیم‌گیری منطقی و عقلایی کشاورزان در فرایند کشاورزی پایدار تا چه حد است؟ در پاسخ به پرسش‌های مذکور، این فرضیات شکل می‌گیرند:

- به نظر می‌رسد که رابطه معناداری بین مشارکت مردم در نواحی روستایی و کشاورزی پایدار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که بین میزان آگاهی و تعهد و مسئولیت‌پذیری مردم در فعالیتهای کشاورزی، رابطه معناداری به چشم می‌خورد.
- به نظر می‌رسد که بین میزان تعهد و مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری منطقی و عقلایی بهره‌برداران در فرایند کشاورزی، رابطه معناداری برقرار است.
- به نظر می‌رسد که رابطه معناداری بین تصمیم‌گیری منطقی و عقلایی بهره‌برداران و کشاورزی پایدار وجود دارد.

پیشینه تحقیق

به طور کلی تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه ارتقای دانش پایداری در بهره‌برداران زراعی صورت گرفته است، به گونه‌ای که در تمامی این پژوهش‌ها دستیابی به این نظام مستلزم تغییر نگرش در بهره‌برداران و ایجاد آموزش‌های لازم در این زمینه است. در ادامه به نمونه‌هایی از تحقیقات صورت گرفته با این نگرش اشاره می‌شود. مقاله نقش ترویج کشاورزی در ارتقای اخلاق زیست‌محیطی کشاورزان، نوشته عابدی سروستانی و شاه‌ولی (۱۳۸۸) با این هدف تهیه شده است که مهم‌ترین دلایل برای پرداختن ترویج کشاورزی به اخلاق زیست‌محیطی به منظور حفاظت از منابع تولید در کشاورزی تشریح شود. در واقع در عرصه کشاورزی پایدار توجه به بعد فرهنگ، تعهد اخلاقی را به محیط زیست و جامعه به همراه دارد. این مقاله با تمرکز بر موضوع ترویج و آموزش انسانی، سعی در تغییر الگوهای رفتاری و فرهنگی مغایر با کشاورزی پایدار در بین کشاورزان دارد. بنابراین، در آن توصیه می‌شود اهداف کشاورزی پایدار، با تغییر نگرش و رفتار کشاورزان برای بهره‌برداری بهینه از منابع همراه باشد تا به پایداری در

فعالیت‌های کشاورزی بینجامد. دیگر تحقیقات دیگر انجام شده، همچون بررسی رفتار پذیرش روش‌های کشاورزی پایدار به وسیله مددکاران ترویجی استان قزوین، بیگدلی و صدیقی (۱۳۸۹)، بررسی نگرش کشاورزان سیب‌زمینی‌کار دشت اردبیل به عملیات کشاورزی پایدار، باقری و شاه‌پسند (۱۳۸۹)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر نگرش کشاورزی پایدار مهندسین ناظر طرح محوری گندم استان فارس، سلیمانی و همکاران (۱۳۸۸) و برخی دیگر، بیشتر به جنبه‌های انسانی و فرهنگی کشاورزی پایدار توجه کرده و شاخص‌های ذهنی مؤثر در این فرایند را دربرگرفته‌اند و تأکید آنها عمدتاً بر تغییر رفتار و نگرش کشاورزان بوده است، که خود ریشه در فرهنگ یا آداب و رسوم و اعتقادات آنها دارد.

در این بین در رویکردهای مختلف اشاره شده در این تحقیقات اگرچه به مقوله مشارکت به عنوان رهیافتی مؤثر در این زمینه تأکید گردیده ولی در هیچ یک از آنها به سازوکار ارتباطی موجود بین مشارکت به عنوان فراگرد تولید دانش و کشاورزی پایدار به عنوان نظام دانش بهره‌برداری از منابع اشاره‌ای نشده است. با توجه به آنچه ذکر شد، هدف از تحقیق حاضر را می‌توان بررسی و تحلیل نقش مشارکت در کشاورزی پایدار نواحی روستایی برشمرد. مراحل تحقیق به گونه‌ای شکل می‌گیرند که ابتدا مشارکت به عنوان فراگرد تولید دانش و آگاهی در کشاورزان مفهوم‌سازی می‌گردد و سپس به سازوکار ارتباط نظری (تئوریک) مشارکت با کشاورزی و شناسایی عناصر مؤثر در این زمینه پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری

مفهوم مشارکت

مشارکت (Participation) به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در اقدامی جمعی است (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲، ۱۲). «مشارکت در نخستین گام به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات محیطی برای تصمیم‌گیری است که هسته مفهومی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد» (Primmer, ۲۰۰۶, ۸۴۱)، تعریف می‌شود. نسیمی مشارکت را به معنای قبول همکاری آگاهانه و از روی میل و اراده، برای رسیدن به هدفی خاص و معین می‌داند که طی آن

برای طرح مسئله، تصمیم‌گیری، اجرا، بهره‌برداری، مراقبت و بازنگری اهداف، از تمام امکانات گروهی استفاده می‌شود (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۱۲). مشارکت به «عمل شرکت کردن و سهیم‌شدن در چیزی» گفته می‌شود (Finger & Stich, ۲۰۰۲, ۱۰۰). اوکلی برای تعریف مشارکت به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می‌پردازد که عبارت‌اند از: ۱- مشارکت به عنوان سهیم‌شدن، که به اعتقاد وی این تفسیر در مورد پروژه‌های بهداشتی، تأمین آب، جنگل‌داری، منابع طبیعی و امور زیربنایی در جهان سوم - که دارای اهداف از پیش تعیین‌شده‌ای هستند - صدق می‌کند؛ ۲- مشارکت به عنوان سازمان، که در تفسیر سازمان به عنوان ابزار و سازوکار اصلی مطرح می‌گردد و تأکید آن بر تشکیل تعاونی‌ها، مؤسسات کشاورزی، کمیته‌های مربوط به مدیریت آن (همچون نهادهای حقوقی برای دفاع از حقوق شهروندی، صندوق‌های توسعه محلی و مانند اینهاست)؛ و ۳- مشارکت به عنوان توانمندسازی، که در این تفسیر مشارکت‌کنندگان به دستیابی مهارت و دانش قابلیت‌های توسعه‌ای و توان تصمیم‌گیری تشویق می‌شوند (گل‌شیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۱۵). آنچه در این مقاله از مفهوم مشارکت در نظر است، مشارکت فراگردی با پیوندی چندسویه است که به پدید آمدن و افزایش دانش و آگاهی، یا دریافت آن اشاره دارد (آغاز، ۱۳۷۸، ۳۶) و نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار و تصمیم‌گیری عقلایی برای دستیابی به اهداف مورد نظر ایفا می‌کند. در واقع مفهوم مشارکت در اینجا به فرایند ایجاد تفکر و دانش در افراد و درک مفاهیم اشاره دارد.

کشاورزی پایدار

امروزه آنچه از پیکار انسان با طبیعت به جای مانده عبارت است از: انفجار جمعیت، کاهش تنوع زیستی، آلودگی محیط‌زیست و نبود عدالت اجتماعی و امنیت غذایی. در مورد بهره‌برداری از منابع طبیعی برای تولید مواد غذایی و نیز جنبه‌های زیست‌محیطی مطرح شده است که تجدیدنظر در نظام‌های متداول را ضروری می‌کند. بدین ترتیب، کشاورزی پایدار به عنوان راهی برای مقابله با این مشکلات بیان شده است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۸۶). کشاورزی پایدار،

سیستمی است که ضمن مدیریت صحیح و استفاده از منابع برای تأمین نیازهای غذایی بشر، کیفیت محیط‌زیست و ذخایر منابع طبیعی را افزایش می‌دهد. همچنین این سیستم از نظر اقتصادی پویاست و مواد غذایی حاصل از آن، تأثیری سوء بر زندگی بشر ندارد و در آن حفظ و مراقبت از منابع برای نسل‌های آینده نیز کوشش شده است (قنبری و برقی، ۱۳۸۷، ۲۱۹). در کشاورزی پایدار به عنوان نظام دانش بهره‌بردار، از طریق تلفیق فرایندهای طبیعی با تولید کشاورزی و کاربرد بیشتر دانش و مهارت‌های کشاورزان، استفاده بهتری از منابع درونی مزرعه به عمل می‌آید تا بدین ترتیب خوداتکایی و ظرفیت کشاورزان بهبود و ارتقا یابد (اسدی و ورمزیاری، ۱۳۸۸، ۲۶۱). به نظر فائو، کشاورزی پایدار الگویی از توسعه است، با اقداماتی از این دست:

۱. تأمین نیازهای غذایی اساسی و تولیدات دیگر کشاورزی مورد نیاز نسل حاضر و آتی.
 ۲. ایجاد مشاغل دائمی، درآمد کافی و شرایط مناسب زندگی و کار برای کسانی که در فرایند تولیدات کشاورزی اشتغال دارند.
 ۳. حفظ و ارتقای ظرفیت تولیدی منابع طبیعی به‌ویژه منابع تجدیدشونده.
 ۴. جلوگیری از اختلال در کارکرد چرخه‌های اساسی بوم‌شناختی و تعادل‌های طبیعی.
 ۵. جلوگیری از تخریب جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی جوامع روستایی.
 ۶. جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی.
 ۷. کاهش آسیب‌پذیری بخش کشاورزی از عوامل طبیعی و اقتصادی و اجتماعی و دیگر تهدیدها و تقویت خوداتکایی این بخش (نجفی و زاهدی، ۱۳۸۴، ۷۶).
- در این بین اجرای طرح کشاورزی پایدار با فراهم‌شدن این شرایط امکان‌پذیر خواهد بود:
- ثبات محیطی: از جنبه‌هایی که می‌بایست به منظور پایداری در فعالیت‌های کشاورزی در نظر گرفته شود، ایجاد تعادل در فعالیت‌های زیست‌محیطی است. عمده‌ترین روش‌هایی که به این امر کمک می‌کنند عبارت‌اند از: حفاظت از منابع آب‌و خاک، جلوگیری از فرسایش، آگاهی از روابط همزیستی بین موجودات، استفاده از تنوع‌های محلی و بومی، کاهش ورود

نهاده‌های شیمیایی به محیط، کاربرد دشمنان طبیعی در دفع آفات و کاربرد تلفیقی بخش‌های مختلف کشاورزی در کنار همدیگر.

- ثبات اجتماعی: یکی از ابعادی که می‌بایست در دستیابی به پایداری در فعالیتهای زراعی در نظر گرفته شود، بعد اجتماعی است. آنچه منجر به ثبات اجتماعی می‌شود، اینهاست: جلوگیری از مهاجرت روستاییان، بهبود کیفیت زندگی در مناطق روستایی، بهبود سطح دانش فنی کشاورزان در زمینه کشاورزی پایدار، و گسترش فعالیتهای تعاونی و مشارکتی در بین کشاورزان.

- ثبات اقتصادی: از دیگر ابعادی که نقش مؤثری در دستیابی به کشاورزی پایدار ایفا می‌کند، ثبات اقتصادی است. برای دستیابی به ثبات اقتصادی می‌بایست این موارد را در نظر گرفت: ثبات قیمت محصولات کشاورزی در سال‌های مختلف، کاهش میزان عرضه و تقاضا در زمینه محصولات کشاورزی و ایجاد تعادل بین آنها، در نظر گرفتن درآمد حاصل از محصول در کوتاه‌مدت و درازمدت، گسترش رقابت کشاورزان در زمینه محصولات تولیدی و گسترش راه‌های مناسب سرمایه‌گذاری و قابلیت سودآوری (جبل‌عاملی، ۱۳۸۹، ۹).

- ثبات سیاسی: ثبات و پایداری سیاسی نیز به معنای آن است که سیستم کشاورزی از دید سیاسی و اتخاذ و تدوین سیاست‌ها و قوانین و برنامه‌ها و نظایر اینها باید با عرضه غذا و تولیدات سالم، افزایش امنیت غذایی و ملی، حرکت در جهت مصالح ملی، پایبندی به قوانین و مقررات، و جلب حمایت مسئولان همراه باشد.

به طور کلی اینها همه با هم مرتبطند و بدون هر کدام، سیستم کشاورزی پایدار نخواهد بود (نجفی و زاهدی، ۱۳۸۴، ۷۹). با این اوصاف کشاورزی پایدار به مداخله عقلایی انسان در بهره‌برداری منطقی از منابع موجود و تصمیم‌گیری آگاهانه برای انتخاب روش‌های مناسب در فعالیتهای کشاورزی اشاره دارد. بنابراین با توجه به لزوم پایداری نظام‌های تولید کشاورزی در عصر کنونی، بررسی وضعیت نظام‌های کشاورزی کنونی و میزان انطباق آنها با ملاک‌های پایداری، به منظور برنامه‌ریزی برای توسعه کشاورزی پایدار، بسیار ضروری است (اسدی و ورمزیاری، ۱۳۸۸، ۲۶۶).

سازوکار نظری ارتباط زیرین کشاورزی پایدار در مقام نظام دانش بهره‌برداری و مشارکت در مقام سوژه علت

کشاورزی پایدار رویکردی از تولید و معطوف به دکتترین پایدار است. به عبارتی، کشاورزی پایدار نظام دانش در فرایند تولید است که محصولات آن ثبات اقتصادی و محیطی و اجتماعی است. طبیعت به خودی خود و با قوانین خود، پایدار است و این دانش انسانی است که قوانین و نظام طبیعت را دستکاری می‌کند و آن را از فرایند طبیعی و پایدار خارج می‌سازد. بنابراین کشاورزی پایدار محصول نیست بلکه رویکردی است منطبق بر قوانین طبیعت در نظام تولید که محصول آن بر اساس اصول نظریه سیستمی ثبات در ابعاد مختلف حیات اجتماعی است و با تکیه بر اصل قوانین طبیعی در تولید، قوام تولید در بستر زمان و مکان ضمانت می‌یابد. در ادامه، به بررسی قوانین زیرین ارتباط مشارکت و کشاورزی پایدار پرداخته می‌شود.

مشارکت مولد آموزش و تبادل اطلاعات

امروزه نقش بسیار مهم آموزش در بالا بردن سطح دانش، تحلیل، اخلاق و مسئولیت‌پذیری افراد در برابر جامعه و محیط‌زیست انکارناشدنی است. به طور کلی، اندیشه همواره هدایت‌کننده رفتار است و آنچه مردم در زیست‌بوم‌ها انجام می‌دهند، وابسته به اندیشه آنان درباره محیط طبیعی پیرامونی است. برای اینکه ارزش‌های موجود در زمینه محیط زیست مورد نقد جامعه قرار گیرد، افراد آن جامعه باید عواملی فعال باشند تا بتوانند آگاهانه در برابر خود و دیگران، عمل کنند. افراد ناآگاه، منفعل‌اند، در حالی که آگاهان می‌توانند خوبی را از بدی، درستی را از نادرستی، و مسئولیت و تعهد در برابر ارزش‌ها را از بی‌تفاوتی تشخیص دهند. اینان می‌توانند بین رفتارهای مختلف، تفاوت قائل شوند (عابدی سروستانی و شاه‌ولی، ۱۳۸۷، ۵۵). به این ترتیب، آموزش نقش مهمی در ارتقای آگاهی و دانش افراد در زمینه جامعه و محیط‌زیست دارد. آموزش و تبادل اطلاعات، خود مستلزم ایجاد فضای یادگیری مؤثر، برای همکاری فعال افراد در تولید دانش و طرح ایده‌های خلاق و بدیع است. در واقع در محیط یادگیری مؤثر، افراد مشارکت فعال

در تولید دانش خواهند داشت و در فضای دوستانه و مبتنی بر همکاری به تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف مسئله، نقد و بررسی باورها، مفروضات، مدل‌ها و تصاویر ذهنی یکدیگر می‌پردازند. در فضای یادگیری مؤثر است که افراد تحلیل‌های ژرف‌تری از مسئله به دست می‌آورند (خورشید و همکاران، ۱۳۸۷، ۲۱). در این بین مشارکت و کارهای جمعی این توانایی را دارند که با خلق فضای آموزش و یادگیری، مولد دانش و اطلاعات برای ارتقای سطح مهارت و خلاقیت افراد باشند. به عبارت دیگر، توزیع و انتشار اطلاعات به معنی ایجاد توانایی بالقوه یادگیری و ارتقای سطوح آگاهی دانش، تکنیک‌ها و مهارت‌های ارتباطی در میان گروه‌های اجتماعی است و در فعالیتهای جمعی معنی پیدا می‌کند.

به طور کلی افراد وقتی در جمع قرار می‌گیرند، خلاقیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. یادگیری در جمع باعث نیروافزایی می‌شود. بنا به گفته بوهم، فیزیک‌دان و از پیشگامان نظریه کوانتوم، «فکر پدیده‌ای مشارکتی است». در نتیجه، افزایش توانایی افراد نیز تا حد زیادی به مشارکت آنها در تفکر و یادگیری گروهی وابسته است (حسینی، ۱۳۸۸، ۹۶).

سازوکار تولید اطلاعات و تبادل آن را در فعالیتهای جمعی می‌توان این گونه مطرح کرد که به طور کلی مشارکت برابری سه عنصر «شبکه اجتماعی، اعتماد، و قوانین و هنجارهای اجتماعی است» که آنها را سرمایه‌های اجتماعی می‌نامند. این فراگرد با ایجاد فضای گفت‌وگو یا بحث و گفت‌وگو موجب تبلور افکار می‌شود و براساس شبکه‌ای از روابط، داده‌های نهفته در افراد را سازماندهی می‌کند و محصولی را به نام اطلاعات به وجود می‌آورد. سپس براساس خاصیت گفت‌وگومانی‌اش به تحلیل و پردازش و ذخیره اطلاعات می‌پردازد و محصول دیگری را به نام دانش تولید می‌کند. در اینجا، دانش زیربنا و سرآغاز تفکر و آمادگی ذهنی مردم برای ایفای نقش است. لازم به یادآوری است که عنصر بنیادین روابط نزدیک بین فرستنده و گیرنده اطلاعات و دانش سازمانی، اعتماد متقابل است. اصولاً اعتماد اساس مبادله دانش را تشکیل می‌دهد. طبعاً به وجود آمدن اعتماد در بستری از صمیمیت و ارتباطات شخصی شکل می‌گیرد که تبادل غیررسمی دانش را تسهیل می‌کند و امکان به اشتراک‌گذاری اطلاعات جزئی و راهبردی را افزایش می‌دهد. ایجاد چنین بستری مستلزم وجود دیدگاه‌ها و اهداف مشترک و همچنین سازگاری فرهنگی و همگونی اجتماعی است (قربانی‌زاده و خالقی‌نیا، ۱۳۸۸، ۹۳). در

این بین مشارکت فضای مساعد را برای تبادل آرا فراهم می‌کند و به درک متقابل طرفین از یکدیگر می‌افزاید. در مورد قانون و هنجارهای اجتماعی باید توجه داشت که مشارکت فرایند تصمیم‌گیری برای رسیدن به هدفی معین است. این فرایند تصمیم‌گیری مبتنی بر آگاهی و دانش و اطلاعات و مهارت افراد است و براساس آنها تحقق می‌یابد. حال اگر این دانش و اطلاعات ضابطه‌مند و دربردارنده شقوق خاصی نباشند، منجر به تصمیم‌گیری نمی‌شوند. در این زمینه، قانون با ضابطه‌مند کردن اطلاعات و دانش می‌تواند این شقوق را فراهم سازد و تسهیل‌کننده تصمیم‌گیری در امور مورد نظر باشد.

مشارکت مولد تصمیم‌گیری و رفتار عقلایی

به طور کلی امروزه حرکت محققان به سمت سیستم‌های پشتیبانی گروهی از این آگاهی نشأت می‌گیرد که تصمیم‌گیری عمدتاً پدیده‌ای گروهی است. در واقع تصمیم‌گیری، فرایند منطقی-عقلایی - آگاهانه‌ای است که به موجب آن، تصمیم‌گیرندگان مجموعه‌ای از معیارها را برمی‌گزینند و سپس راه‌حل‌های بدیل را برحسب آنها ارزیابی می‌کنند (خورشید و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۰). این درحالی است که عقل به معنای کلان روایت اگر فاقد بستری جمعی باشد و در شکل افراد کامل قرار گیرد، نابهنجار خواهد بود؛ زیرا رفتار آزادانه افراد همواره رفتار عقلانی نیست و خواست انجام چنین رفتاری از جانب افراد ممکن است مستلزم منع آزادی‌شان باشد. از این رو، «عقلانی‌شدن فرایندی جمعی است و فرد به تنهایی نمی‌تواند معقول باشد و سعادت جمع را آرزو کند، زیرا فرد پایبند خواهش‌های فایده‌طلبانه خویش است» (حاجی‌هاشمی، ۱۳۸۴، ۲۴).

بر همین اساس تصمیم‌گیری عقلایی مستلزم وجود فعالیت‌های گروهی و کارهای جمعی است. در این بین مشارکت نوعی عمل جمعی است که در تعریف عمومی آن دخالت مردم به صورت گروهی در فعالیت یا عملی معین است. مشارکت از مصادیق تصمیم‌گیری است که افراد با توجه به شرایط محیطی و همچنین نگرش خود به دیگران در فرایند انجام کارها انجام می‌دهند. بنابراین، تصمیم‌گیری و رفتار عقلایی در بطن مشارکت نهفته است. سازوکار ارتباط مشارکت و تصمیم‌گیری عقلایی را می‌توان چنین شرح داد: همان‌طور که ذکر شد، دانش زیربنا

و سرآغاز شکل‌گیری تفکر است. تفکر فرایندی است که متضمن برخی از دستکاری‌های دانش در سیستم شناختی است و در حالی که فرد حرکتش را مورد تأمل قرار می‌دهد، خاطرات گذشته با اطلاعات فعلی ترکیب می‌شود و دانش او را دربارهٔ موقعیت تغییر می‌دهد. در واقع تفکر به سمت رفتار هدایت می‌گردد و منجر به آن می‌شود تا مشکل حل گردد یا به سمت یک راه‌حل جهت‌گیری شود (هویدا، ۱۳۸۴، ۲۲). از پیامدهای مهم تفکر، بهسازی و عقلانی شدن تصمیم‌هاست (جعفری و نوروزی، ۱۳۸۳، ۱۱۴).

در واقع فرایند تفکر در فعالیت‌های جمعی به گونه‌ای است که منتهی به تصمیم‌گیری عقلایی می‌شود. برخی از این فرایندها عبارت‌اند از: مفهوم‌سازی، ساخت اصلی، درک، حل مسئله، تصمیم‌گیری و ترکیب (هویدا، ۱۳۸۴، ۲۳). به عبارت دیگر، می‌توان این فرایند را به دو بخش تقسیم کرد: مرحله کسب دانش که مشتمل است بر تدوین مفهوم و مرحله تولید دانش؛ و کاربرد که شامل حل مسئله و تصمیم‌گیری و ترکیب است. بعد از کسب دانش و آگاهی و تدوین مفهوم یا همان اطلاعات سازمان‌یافته، فرد قادر می‌شود که عنصر مورد نظر خود را از دیگر عناصر متمایز کند، توانایی تشخیص پدیده‌ها - یا دسته‌ای از آنها - را بیابد و بین آنها ارتباط برقرار کند. این توانایی انسان را در شرایط حل مسئله قرار می‌دهد تا در مقابل مسائل مختلف راه‌حلی را فراروی خود داشته باشد و استراتژی‌هایی را برای این راه‌حل‌ها پیدا کند. با تحلیل و بررسی راه‌حل‌های مختلف، با توجه به ملاک‌هایی خاص، راه‌حل بهینه انتخاب می‌شود و به تصمیم‌گیری می‌انجامد. سرانجام ترکیب این ایده‌ها منجر به اقداماتی می‌شود که تفکرات غالب را به زبانی رؤیت‌پذیر بدل می‌سازد و پدیده یا محصولی را تولید می‌کند. از آنجا که تمامی این فرایندها به صورت برنامه‌ریزی‌شده و دارای ساختار اطلاعاتی و هدفمند است، بنابراین فرایندی عقلایی در زمینه تصمیم‌گیری است و رفتار هدف‌دار و سنجیده را با خود به همراه می‌آورد.

مشارکت مولد تعهد و مسئولیت‌پذیری

تعهد عبارت است از شدت و گستردگی مشارکت فرد در سازمان، احساس تعلق به سازمان، شغل و احساس هویت. تعهد را می‌توان در وفاداری، داشتن هویت و احساس مسئولیت‌های فردی و شغلی و سازمانی خلاصه کرد (آتش‌پور و همکاران، ۱۳۸۷، ۸۳). به طور کلی تعهد در

فعالیت‌های اجتماعی، از مسئولیت‌های افراد تأثیر می‌پذیرد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی تعهد پایداری را برای حمایت و بهبود رفاه اجتماعی در حال و آینده در زمینه پایداری منفعت و سود مشارکت‌کنندگان به وجود می‌آورد (Lin et al., ۲۰۰۹, ۵۷). در این بین مشارکت وسیله تبدیل شهروندان بی‌تفاوت به شهروندان صاحب حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی می‌شود. این حق منعکس‌کننده نقش فردی اعضای هر جامعه در برابر یکدیگر است و با اجتماعی‌شدن انسان، مسئولیت او را افزایش می‌دهد و منجر به تعیین حد و حدود قانونی برای دستیابی به آن می‌شود (موسایی و شیانی، ۱۳۸۹، ۲۴۹) و تعهد را در قبال دیگر اعضا به وجود می‌آورد. تعهد و مسئولیت در کارهای جمعی دارای دو وجه مادی و فرامادی است. در وجه مادی، انسان موجودی است مختار که با بررسی و ارزیابی شقوق مختلف دست به انتخاب می‌زند. به عبارت دیگر، آدمی قدرت انتخاب دارد. دیگر اینکه آدمی در انتخاب، پیوسته به سنجش و ارزیابی می‌پردازد. سرانجام اینکه آدمی برای انتخاب و سنجش، قدرت و توانایی عقلانی دارد. عقل سنجش‌گر و عقل ادراک‌کننده، ویژگی‌های انسان را مقایسه می‌کند (صباغ‌پور، ۱۳۸۷، ۱۳۳).

بنابر مدل تصمیم‌گیری اقتصادی، کنش جمعی صرفاً وسیله‌ای است که کنشگر عقل‌مدار هدف‌گرا به واسطه آن می‌تواند در پی منفعت شخصی‌اش باشد: من به مثابه جزئی از جمع عمل می‌کنم، چون به نظرم می‌رسد که این کاراثرترین شیوه برای دنبال کردن منفعت‌هایم است (اسکات، ۱۳۸۸، ۳۶). براین اساس انسان برای رسیدن به منفعت شخصی‌اش می‌بایست حقوق جمع و تعهد و مسئولیت را در برابر وظایف خود، رعایت کند. در وجه فرامادی آن، مازلو معتقد است که ارزش‌های تعلق و محبت باعث تمایل افراد به روابط عاطفی و صمیمانه با مردم و خروج از انزوا می‌شود.

ارزش‌های احترام به خویش باعث تمایل فرد به شایستگی و اعتماد می‌شود و ارزش‌های خودشکوفایی نیز احساس تعهد و مسئولیت را در فرد ایجاد می‌کنند. بنابراین، افرادی که روابط اجتماعی بیشتری دارند و کیفیت این روابط نیز از نظر وجود اعتماد و هنجارهای عمل متقابل بیشتر است، تمایل بیشتری برای عضویت و مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه دارند. ارزش‌های فرامادی نیز با ایجاد انگیزه بیشتری برای روابط با دیگران، بر مشارکت تأثیر می‌نهند. افرادی که

دارای ارزش‌های فرامادی‌اند، به برقراری روابط با دیگران و ایجاد کیفیاتی از نوع اعتماد و همکاری در این روابط تمایل دارند و بدین طریق احساس تعلق و احترام و خودشکوفایی می‌کنند (فانعی راد و حسینی، ۱۳۸۴، ۱۰۸). بنابراین مشارکت موجب تقویت احساس وابستگی و علاقه‌مندی می‌شود. یکی از یافته‌های پژوهشی آن است که هرگاه انسان در پدید آوردن امری مشارکت کند، از آن پشتیبانی خواهد کرد. باز کردن راه مشارکت در فرایند پدید آوردن اندیشه و تصمیم‌گیری، انسان را به تعهد بیشتر در برابر رهاوردهای آن سوق می‌دهد (سعیدی، ۱۳۸۲، ۱۴).

مشارکت و کشاورزی پایدار

به طور کلی کشاورزی پایدار فرایندی عقلانی مبتنی بر استفاده بهینه از منابع و گرفتن تصمیمات صحیح و معقول در روند تولیدات کشاورزی است، به گونه‌ای که فعالیت‌های کشاورزی با فرایندهای اکولوژیکی هم‌سو گردند. فراهم آوردن چنین شرایطی مستلزم بستری از دانش و آگاهی است که تصمیمات عقلایی را به همراه آورد و استفاده بهینه از منابع را موجب گردد. در این بین مشارکت با ایجاد بستری از آموزش و اطلاعات و دانش، فرایندی از تفکر را به وجود می‌آورد که به تصمیم‌گیری عقلایی می‌انجامد.

در زمینه فعالیت‌های کشاورزی، فضای گفتمان به وجود آمده از مشارکت در بین روستاییان کشاورز، مروجان جهاد کشاورزی، فروشندگان نهاده‌های کشاورزی و بازار، زمینه را برای ایجاد اطلاعات و دانش و فرایند تفکر فراهم می‌کند. همان‌طور که ذکر شد، فرایند تفکر در کارهای جمعی شامل مراحل مفهوم‌سازی، ساخت اصل، درک، حل مسئله و تصمیم‌گیری است. در مرحله مفهوم‌سازی در فعالیت‌های کشاورزی پایدار، اطلاعات منظم فرد راجع به عقلانیت و رفتار عقلایی شکل می‌گیرد و او را قادر می‌سازد که منفعت شخصی و جمعی را تشخیص دهد و بین منفعت شخصی و منافع جمعی ارتباط برقرار سازد. در واقع مشارکت به گونه‌ای عمل می‌کند که در برابر منافع شخص روحیه دیگرخواهی را در افراد ایجاد کند و تعهد و مسئولیت را با خود به همراه آورد. در مرحله ساخت اصل مفاهیم اصول کشاورزی پایدار شکل می‌گیرد و

بهره‌برداران این اصول را تشخیص می‌دهند و از کاربرد آنها مطلع می‌شوند. به طور کلی منشور کشاورزی پایدار دارای چهار اصل است که کسانی که به آن می‌پردازند باید خود را به انجام آن متعهد بدانند.

- اصل سلامت: کشاورزی پایدار باید سلامتی انسان، جانوران، گیاهان، خاک - و در مجموع کره زمین - را به صورت یکپارچه و به عنوان کلیتی تفکیک‌ناشدنی در نظر بگیرد و در حفاظت آن بکوشد.

- اصل پایداری بازار: کشاورزی پایدار باید از نظر عرضه و تقاضا ثبات خود را در بازار به دست آورد و از این طریق کشاورزی سلامت مؤلفه‌ای برای اقتصاد سلامت باشد.

- اصل اکولوژی: کشاورزی پایدار باید براساس اکوسیستم‌های طبیعی و منطبق با کارکرد چرخه‌های آن طراحی شود، به طوری که موجب تقویت اکوسیستم‌های طبیعی شود و با ایجاد زیستگاه‌ها و حفظ و تقویت تنوع زیستی به تعادل اکولوژیکی کمک کند.

- اصل مراقبت: کشاورزی پایدار باید سلامت و رفاه نسل حاضر را با احساس مسئولیت و رعایت احتیاط‌های لازم در راستای حفظ محیط‌زیست و اکوسیستم برای نسل‌های آینده، تأمین کند و به عبارت دیگر، آینده کره زمین را فدای نسل امروز نکند.

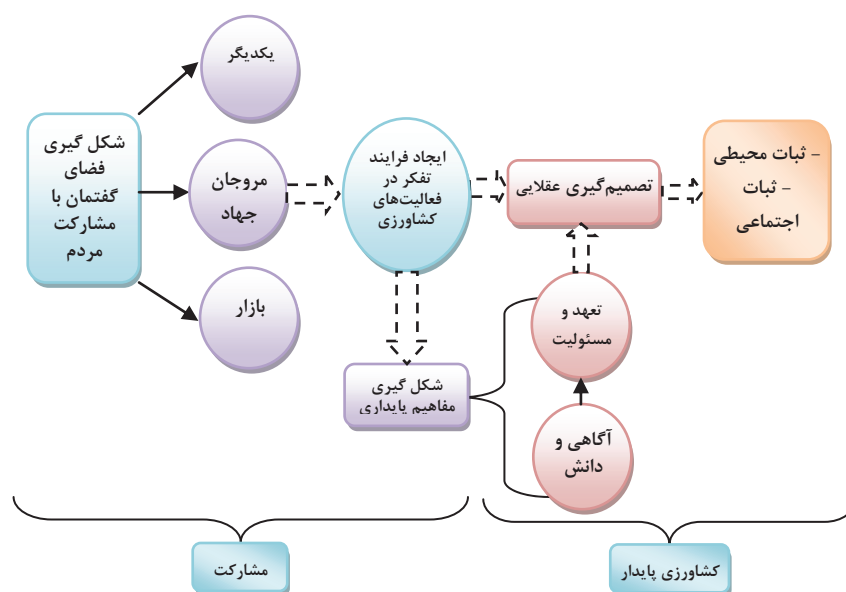
- اصل انصاف (جوانمردی): کشاورزی پایدار باید به نحوی عمل کند که منافع کلیه دست‌اندرکاران و افراد مرتبط با آن را اعم از تولیدکنندگان، کارگران، بازرگانان، توزیع‌کنندگان و جز آنها، به طور عادلانه تأمین کند و در افزایش امنیت غذایی و کاهش فقر بکوشد (جبل‌عاملی، ۱۳۸۹، ۸-۹).

در مرحله درک، فرایندی ذهنی برای تفسیر اطلاعات و برقراری ارتباط بین مفاهیم و اصول کشاورزی پایدار شکل می‌گیرد و سپس استخراج اطلاعات جدید و تکمیل آنها به وسیله دانسته‌های خود به منظور ایجاد معنای جدید شروع می‌شود. معنای جدید در دو بعد آگاهی و دانش و تعهد و مسئولیت در کشاورزان شکل می‌گیرد. در بعد آگاهی و دانش، معنای جدیدی همچون آگاهی از ارزش زمین‌های کشاورزی، آگاهی از فرسایش خاک زمین‌های کشاورزی، آگاهی از حاصلخیزی خاک مزرعه، آگاهی از حجم آب کشاورزی، آگاهی از تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، آگاهی از تبدیل زمین‌های آبی به دیم، آگاهی از کیفیت آب و جز اینها، و

در بعد تعهد و مسئولیت، معانی جدیدی همچون تعهد مردم در برابر یکدیگر در فعالیت‌های کشاورزی، احساس وظیفه و تعهد مسئولان جهاد کشاورزی در قبال امور کشاورزی، احساس مسئولیت مردم در قبال این امور و وجود اهداف مشترک در بین مردم در حیطه فعالیت‌های کشاورزی ایجاد می‌شود که برگرفته از اصول کشاورزی پایدارند.

بعد از شکل‌گیری مفاهیم و اصول و درک معانی آن در مرحله حل مسئله افراد در موقعیتی قرار می‌گیرند که توان تشخیص مشکلات و ارائه استراتژی‌های حل آن را می‌یابند. از این رو در این مرحله شقوق مختلفی برای انتخاب بهترین راه‌حل شکل می‌گیرد. در مرحله تصمیم‌گیری از میان شقوق و راه‌حل‌های تشخیص داده‌شده، بهترین راه‌حل برای برطرف کردن مشکلات موجود انتخاب می‌گردد. به طور کلی ترکیب این مراحل سرانجام محصولی را به عنوان مهارت افراد برای استفاده بهینه و منطقی از منابع تولید می‌کند که فعالیت‌های کشاورزی را با فرایندهای اکولوژیکی هم‌سو می‌سازد. مفهوم صفت پایداری برای کشاورزی تنها بیان‌کننده تولید پایدار و مداوم محصولات کشاورزی نیست، بلکه به فرایند پایداری منابع تولید، ثبات اجتماعی و اقتصادی نیز اشاره دارد. مشارکت می‌تواند در قالب سازوکارهای مختلف و در زمینه‌های آموزشی، تصمیم‌گیری، تأمین منابع مالی، اجرایی، نظارت و ارزیابی در توسعه کشاورزی پایدار تأثیرگذار باشد. برخی از نهادهای مشارکتی مردم که ثبات اجتماعی و اقتصادی و محیطی را در بخش کشاورزی به دنبال دارد، می‌تواند در این زمینه انجام گیرد:

تشکل‌های مکانیزاسیون، خدمات تعمیرات ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، بازاریابی و بازرسانی، صنایع تبدیلی، صنایع بسته‌بندی، احداث انبارهای ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی، تولید در مکان‌های کنترل‌شده، ارزیابی عملکرد، آموزش در مزرعه یا آموزش در حین کار و مشارکت در عملیات حفاظت از آب و خاک. در نهایت پس از بررسی الگوی نظری، چارچوب مفهومی پژوهش به شکل ۱ صورت پذیرفت.



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش، نقش مشارکت مردم در کشاورزی پایدار

مواد و روش‌ها

دهستان ایجرود بالا در بخش مرکزی شهرستان ایجرود واقع شده است و بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۱۰۰۸۳ نفر جمعیت دارد که ۲۳۴۳ خانوار آن در ۱۴ روستا ساکن‌اند. جامعه نمونه بر اساس فرمول شارپ- کوکران از کل خانوارهای روستاهای مورد مطالعه ۳۳۰ نمونه تعیین شد و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده هدف مورد مطالعه قرار گرفتند. همچنین، از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها (به روش میدانی) استفاده شده و میزان اعتبار پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برآورد شده است ($\alpha = 0.8231$). داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از طریق آزمون t ، فریدمن، همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن و F فیشر، تجزیه و تحلیل شده‌اند. با توجه به اهداف و فرضیه‌های تحقیق

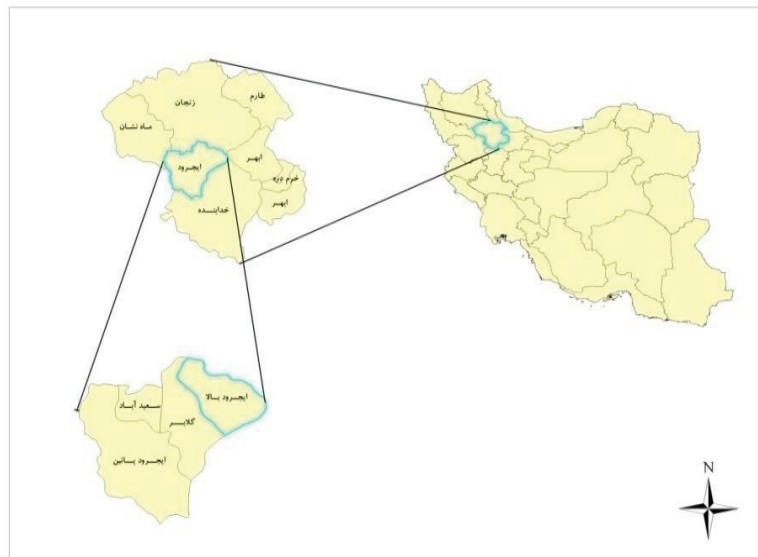
حاضر، این متغیرها از طریق پرسشنامه و براساس طیف لیکرت (خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، متوسط=۳، کم=۲، خیلی کم=۱، اصلاً=۰)، مطابق با جدول ۱ مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. گویه‌های مشارکت و کشاورزی پایدار

مؤلفه	ابعاد	شاخص		
مشارکت	فضای گفتمان	همکاری مردم با یکدیگر در فعالیت‌های کشاورزی		
		همکاری مردم با مسئولان جهاد کشاورزی		
		همکاری مردم با بازار و فروشندگان نهاده‌های کشاورزی		
آگاهی و دانش		آگاهی از ارزش زمین‌های کشاورزی		
		آگاهی از فرسایش خاک زمین‌های کشاورزی		
		آگاهی از حاصلخیزی خاک مزرعه		
		آگاهی از حجم آب کشاورزی		
		آگاهی از تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی		
		آگاهی از تبدیل زمین‌های آبی به دیم		
		آگاهی کیفیت آب		
		آگاهی هزینه تولید		
		آگاهی از تلفات و ضایعات محصول تولیدی		
		آگاهی از قطعه قطعه شدن زمین‌های کشاورزی		
		آگاهی از الگوی کشت		
		آگاهی از استفاده از نوع بذر		
		آگاهی از بهره‌وری عوامل تولید		
		تعهد و مسئولیت‌پذیری		تعهد مردم نسبت به یکدیگر در فعالیت‌های کشاورزی
				احساس مسئولیت مسئولان جهاد کشاورزی در قبال امور کشاورزی
احساس مسئولیت مردم در قبال امور کشاورزی				
وجود اهداف مشترک در بین مردم در فعالیت‌های کشاورزی				
کشاورزی پایدار	تصمیم‌گیری عقلایی	استفاده از تناوب زراعی		
		استفاده از آیش		
		مصرف کود دامی		
		استفاده نکردن از کود و سموم شیمیایی		
		استفاده از شخم زدن برای مبارزه با آفات و بیماری‌ها		
		سوزاندن گاه و کلبه به‌جامانده از برداشت محصول		
		برگرداندن گاه و کلبه به‌جامانده از برداشت محصول به خاک		
		تسطیح اراضی		
		مجهز کردن مزارع به آبیاری تحت فشار		
		استفاده از ارقام زراعی مناسب اصلاح شده		
			تصمیم‌گیری برای ایجاد شخم بر خلاف شیب زمین	
			فروش محصولات از طریق اتحادیه‌های کشاورزی و خدمات کشاورزی	
			صرفه‌جویی در استفاده از آب	
			استفاده از بیمه محصولات	
			افزایش ریسک در سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	
			استفاده از وام و تسهیلات بانکی	
			گرفتن اطلاعات مورد نیاز کشاورزی از بازار محصولات کشاورزی	
			توجه به بازار مصرف و نوع محصولات	
			دسترسی به فناوری اطلاعات	
			استفاده بهینه از منابع موجود	
ارتقای کیفیت محصولات تولیدی				

محدوده یا قلمرو پژوهش

دهستان ایجرود بالا بین ۴۷ درجه ۴۹ دقیقه تا ۴۸ درجه ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۳۶ درجه ۵ دقیقه تا ۳۶ درجه ۳۴ دقیقه طول شرقی واقع شده است. از سمت شمال و جنوب به شهرستان‌های زنجان و خدابنده، از سمت شرق و غرب با شهرستان ابهر و دهستان گلابر هم‌جوار است. این دهستان از نظر ارتباطی در مسیر جاده زنجان به کردستان و در فاصله ۳۵ کیلومتری مرکز استان زنجان واقع شده است.



شکل ۲. نقشه منطقه مورد مطالعه

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

وضعیت مشارکت

وضعیت مشارکت در بخش کشاورزی در سطح ۳ شاخص (مشارکت در بین روستاییان کشاورز، مروجان جهاد کشاورزی، فروشندگان نهاده‌های کشاورزی و بازار) و ۱۴ سکونتگاه روستایی

دهستان ایجرود بالا نشان می‌دهد که میانگین مشارکت در آنها ۲/۲۷ است. سپس بر اساس آزمون t تک‌نمونه‌ای، عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخها با میانگین مشارکت مردم در بخش کشاورزی روستاهای دهستان ایجرود بالا مقایسه گردید. با توجه به نتایج جدول ۳ ملاحظه می‌شود که بین میانگین مشارکت در بخش کشاورزی و عدد ۳ اختلاف معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). بنابراین، بر اساس نتایج به‌دست آمده از آزمون سطح مشارکت در بخش کشاورزی روستاهای دهستان ایجرود بالا در حد پایین‌تر از متوسط ارزیابی شده است.

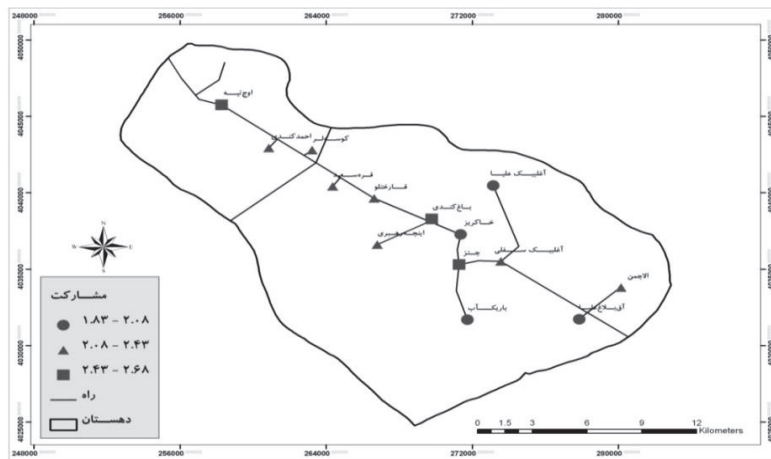
جدول ۲. وضعیت مشارکت در روستاهای دهستان ایجرود بالا

نام آبادی	جمعیت	وضعیت مشارکت	نام آبادی	جمعیت	وضعیت مشارکت
قره سعید	۹۲۵	۲/۳۰	چتر	۷۲۱	۲/۶۷
خاک ریز	۱۶۲	۲/۰۸	اینچه زهبری	۷۱۸	۲/۳۳
اغلبیک علیا	۹۲۹	۱/۸۳	قارختلو	۵۵۵	۲/۳۴
باغکندی	۴۲۹	۲/۶۷	باریک آب	۷۱۵	۲/۰۲
الاجمن	۱۰۲۸	۲/۳۸	اوج تپه	۷۰۵	۲/۶۸
اقبلاغ	۶۷۲	۲/۰۰	احمدکندی	۸۹۲	۲/۳۵
اغلبیک سفلی	۹۸۸	۲/۴۳	کوسه لر	۶۳۲	۲/۳۹

جدول ۳. میانگین مشارکت در بخش کشاورزی و نتایج آزمون t برای تحلیل معناداری آن

وضعیت	استاندارد آزمون = ۳							
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	معناداری (۲دانه)	تفاوت میانگین	
							پایین	بالا
مشارکت	۳۳۰	۲/۲۷	۰/۲۷۵	-۹/۸۷	۳۲۹	۰/۰۰۰	-۰/۷۲۷	-۰/۱۸۸۶
								-۰/۵۶۸

در این خصوص الگوی آرایش مکانی- فضایی وضعیت مشارکت در سکونتگاه‌های روستایی دهستان ایجرود بالا در مقایسه با یکدیگر به شرح شکل ۳ است.



شکل ۳. نقشه توزیع جغرافیایی وضعیت مشارکت در نواحی روستایی

وضعیت مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی دهستان ایجرود بالا، به تفکیک ابعاد برای به‌دست آوردن وضعیت مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی دهستان ایجرود بالا به تفکیک ابعاد مورد نظر، از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. همان‌طور که مطرح گردید، عدد ۳ به عنوان میانه نظری وضعیت مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی دهستان ایجرود بالا به تفکیک ابعاد انتخاب شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که در هیچ یک از ابعاد مورد نظر، میزان به‌دست آمده بالاتر از میانه نظری نیست.

جدول ۴. نتایج آزمون t برای تحلیل معناداری عوامل مؤثر در کشاورزی پایدار، به تفکیک ابعاد

استاندارد آزمون = ۳								ابعاد مشارکت	
فاصله اطمینان تفاوت ۹۵٪		تفاوت میانگین	معناداری (دامنه)	df	t	انحراف معیار	میانگین		
بالا	پایین								
-۰/۹۴۲	-۱/۳۲	-۱/۱۳	۰/۰۰۰	۳۲۹	-۱۲/۶۹	۰/۳۳۴	۱/۸۶	۳۳۰	آگاهی و دانش
-۱/۳۳	-۱/۵۶	-۱/۴۴	۰/۰۰۰	۳۲۹	-۲۷/۰۰	۰/۲۰۰	۱/۵۵	۳۳۰	تعهد و مسئولیت‌پذیری
-۰/۹۱۷	-۱/۲۱	-۱/۰۶	۰/۰۰۰	۳۲۹	-۱۵/۶۰	۰/۲۵۵	۱/۹۳	۳۳۰	تصمیم‌گیری عقلایی

وضعیت کشاورزی پایدار

در اینجا، به منظور تحلیل وضعیت کشاورزی پایدار، ساختار وضع شده برای متغیرها در قالب سه بعد «آگاهی و دانش، تعهد و مسئولیت‌پذیری، و تصمیم‌گیری عقلایی» تدوین گردیده و در سطح ۳۸ شاخص بررسی شده است. نتایج بیانگر آن است که کشاورزی پایدار در این منطقه وضعیت مناسبی ندارد و میانگین آن ۱/۸۶ است و از حد مورد انتظار در طیف لیکرت پایین‌تر است. به طور کلی عقلانیت پایدار نیازمند دانش و آگاهی پایدار است. دستیابی به این امر مستلزم شکل‌گیری فضایی برای کسب دانش و آگاهی است. در این بین امروزه در رویکردهای ترویجی و آموزشی، رهیافت مشارکتی بهترین ابزار برای شکل‌گیری این توانایی است. در واقع رهیافتی است که تمامی مراحل یادشده را در بطن خود دارد و سازوکاری برای پرورش تفکر پایدار در فعالیتهای کشاورزی است. این درحالی است که میانگین مشارکت در روستاهای بخش مرکزی ایجرود بالا ۲/۲۷ و از حد متوسط پایین‌تر است. در واقع شکل‌نگرفتن بستری آموزشی برای اطلاع‌رسانی در این منطقه و آگاهی نیافتن کشاورزان از اصول کشاورزی پایدار، شرایط این منطقه را به گونه‌ای ساخته است که کشاورزی پایدار در پایین‌ترین حد ممکن قرار گیرد و در وضعیت نامطلوبی به سر ببرد.

جدول ۵. وضعیت کشاورزی پایدار در روستاهای دهستان ایجرود بالا

نام آبادی	جمعیت	وضعیت کشاورزی پایدار	نام آبادی	جمعیت	وضعیت کشاورزی پایدار
قره سعید	۹۲۵	۱/۶۲	چتر	۷۲۱	۲/۱۲
خاک ریز	۱۶۲	۱/۹۴	اینچه رهبری	۷۱۸	۲/۰۶
اغلبیک علیا	۹۲۹	۱/۶۵	قارختلو	۵۵۵	۱/۹۴
باغکندی	۴۲۹	۲/۲۴	باریک آب	۷۱۵	۱/۲۹
الاجمن	۱۰۲۸	۲/۱۸	اوج تپه	۷۰۵	۲/۱۲
اقبلاغ	۶۷۲	۱/۹۴	احمدکندی	۸۹۲	۲/۰۳
اغلبیک سفلی	۹۸۸	۲/۰۰	کوسه لر	۶۳۲	۲/۰۱

تحلیل همبستگی عوامل مؤثر در وضعیت کشاورزی پایدار

برای بررسی همبستگی عوامل مؤثر در کشاورزی پایدار روستایی از آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف مشارکت و کشاورزی پایدار در سکونتگاه‌های روستایی ایچرود بالا رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیات با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن

نوع ارتباط	معناداری (۵۲امنه)	ضریب همبستگی	فرضیه
مثبت	۰/۰۳۸	۰/۵۵۷	نقش مشارکت در کشاورزی پایدار
مثبت	۰/۰۲۴	۰/۴۴۸	نقش آگاهی در ایجاد تعهد و مسئولیت در امور کشاورزی
مثبت	۰/۰۱۴	۰/۳۷۸	نقش تعهد و مسئولیت‌پذیری در ایجاد تصمیم‌گیری عقلایی در فعالیت‌های کشاورزی
مثبت	۰/۰۲۷	۰/۵۵۸	نقش تصمیم‌گیری عقلایی در کشاورزی پایدار

همان‌طور که ذکر شد، کشاورزی پایدار فرایندی ذهنی است و ارتباط نزدیکی با عقلانیت پایدار دارد. مبنای عقلانیت، آگاهی و دانش است و پایدار بودن آن حاکی از استمرار این ویژگی‌هاست. در این بین مشارکت در معنای گسترده‌اش با ایجاد فضای گفت‌وگو و یادگیری، جوی آموزشی را برای شکل‌گیری آگاهی و دانش به‌وجود می‌آورد و با خلق سازوکارهایی که به‌طور مستمر و مداوم در اختیار مردم‌اند، پایداری این ویژگی‌ها را در طول زمان تضمین می‌کند. نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن با ضریب همبستگی ۰/۵۵۷ و سطح معناداری ۰/۰۳۸ در سکونتگاه‌های روستایی دهستان ایچرود بالا مؤید ارتباط مستقیم مشارکت مردم در نواحی روستایی و کشاورزی پایدار است. در این زمینه آزمون کای‌اسکوئر نیز با مقدار آماره ۳/۷۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ مؤید تأثیر مستقیم مشارکت در کشاورزی پایدار است.

جدول ۷. میزان اهمیت مشارکت در تحقق کشاورزی پایدار

	میزان مشارکت
Chi-square	۳/۷۱
Df	۳۲۰
Asymp.sig	۰/۰۰۰

به‌طور کلی در ذات هر انسان نوعی تمایلات دیگرخواهی وجود دارد. دیگرخواهی مورد نظر در اینجا به معنای به رسمیت شناختن و حرمت نهادن به اغراض و منافع دیگران است. در این بین مشارکت با سازوکارهای خاص خود یعنی شبکه‌ای از روابط، اعتماد و هنجار و قوانین، خاستگاه انگیزش درونی این تمایلات در افراد است، به گونه‌ای که احساس وابستگی و علاقه‌مندی را تقویت می‌کند و حس دیگرخواهی را در افراد شکوفا و آنها را از وجود آن آگاه می‌سازد.

بر همین اساس بهره‌برداران عقلانیتی را در پیش می‌گیرند تا منافع فردی را به مقتضای منافع جمعی تأمین کنند و در استفاده از منابع و ظرفیت‌ها متعهد و مسئول باشند. مشارکت با تقویت این احساس و ایجاد کار گروهی در فعالیت‌های کشاورزی به نوعی با انگیزش درونی در افراد تمایلات دیگرخواهی را که به طور ذاتی در افراد نهفته است شکوفا می‌کند و بهره‌برداران را متعهد می‌سازد تا در بهره‌برداری از منابع، منافع فردی‌شان را از طریق تحقق منافع جمعی دنبال کنند. در این زمینه، نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن ارتباط مثبت آگاهی را با تعهد و مسئولیت‌پذیری در فعالیت‌های کشاورزی با ضریب همبستگی ۰/۴۴۸ و سطح معناداری ۰/۰۲۴ تأیید می‌کند.

بعد از شکل‌گیری این بستر فکری، بهره‌برداران رفتاری سنجیده و با برنامه و هدفدار را برای انجام فعالیت‌های کشاورزی، با استفاده از مفاهیمی همچون تعهد و عدالت و مسئولیت‌پذیری پیش می‌گیرند و فعالیت خود را به سمت کشاورزی پایدار سوق می‌دهند. بنابراین هر تصمیمی

که برای بهره‌برداری از منابع گرفته می‌شود، مبتنی بر رعایت اصول کشاورزی پایدار -یعنی اصل مراقبت، انصاف و عدالت- است. برآیند این تصمیمات رفتار عقلایی است که اهدافی با تفکر پایدار را در خود دارد. نتایج آزمون همبستگی برای تأیید فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین تعهد و مسئولیت‌پذیری با تصمیم‌گیری عقلایی در فرایند کشاورزی پایدار با ضریب همبستگی $0/378$ و سطح معناداری $0/014$ رابطه مثبتی وجود دارد. سرانجام با توضیح این مکانیسم شکل‌گیری رفتار عقلایی در تصمیم‌گیری کشاورزی پایدار را با خود به همراه می‌آورد و نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن با ضریب همبستگی $0/558$ و سطح معناداری $0/027$ نیز مؤید این امر است.

برای اطمینان از این آزمون و به‌منظور نشان دادن اهمیت تصمیم‌گیری عقلایی در تحقق کشاورزی پایدار، آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (آزمون F فیشر) نیز تأثیر معنادار این مقوله را با آماره $F 4/59$ و سطح معناداری $0/034$ در دستیابی به اهداف کشاورزی پایدار تأیید می‌کند.

جدول ۸. نتایج آزمون F برای بررسی تاثیر تصمیم‌گیری عقلایی در کشاورزی پایدار

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری
تصمیم‌گیری عقلایی	0/086	1/03	4/59	0/034

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی کشاورزی پایدار، نظامی است مبتنی بر دانش و نه نهاده؛ و نیاز به آگاهی و اطلاعات و مهارت دارد. بنابراین دستیابی به این نظام مستلزم ایجاد فضای آموزشی برای شکل‌گیری دیدی مطلوب و مناسب از پایداری نزد بهره‌برداران است. در این بین مشارکت با سازوکارهای خاص خود، رویکردی مناسب برای ایجاد دانش و شکل‌گیری تفکر پایدار در بهره‌برداران به‌شمار می‌آید. به همین خاطر در تحقیق حاضر کوشش شده است که سازوکار تولید تفکر پایدار در فعالیت‌های کشاورزی، از طریق مشارکت در نواحی روستایی شرح داده

شود و توانایی این رهیافت در آموزش نگرش پایدار تبیین گردد. بررسی‌های انجام‌یافته در منطقه نشان می‌دهد که سطح مشارکت در سکونتگاه‌های مورد نظر از حد انتظار با میانگین ۲/۲۷ پایین‌تر است. این در حالی است که میانگین به‌دست آمده از شاخص‌های مشارکت در فرایند تفکر نیز وضعیت چندان مناسبی ندارد و در تمامی موارد از میانه نظری مورد انتظار پایین‌تر است. در این بین نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن برای اثبات فرضیه‌ها، نشان می‌دهد که بین مشارکت و کشاورزی پایدار با ضریب همبستگی ۰/۵۵۷ و سطح معناداری ۰/۰۳۸ ارتباط مستقیمی وجود دارد. مؤید این ارتباط، سازوکاری است که در قالب فرایند تفکر برخاسته از مشارکت شکل می‌گیرد. عناصر این سازوکار عبارت‌اند از آگاهی و دانش و نیز تعهد و مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری عقلایی، که ارتباط بین آنها نظام کشاورزی پایدار را در فرایند تولید شکل می‌دهد. نتایج آزمون اسپیرمن بیانگر ارتباط مستقیم این عناصر یعنی رابطه بین آگاهی با تعهد و مسئولیت‌پذیری، و تعهد و مسئولیت‌پذیری با تصمیم‌گیری عقلایی، به‌ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۴۴۸ و ۰/۳۷۸ است. برآیند آن نیز سرانجام ارتباط مثبت تصمیم‌گیری عقلایی و کشاورزی پایدار با ضریب همبستگی ۰/۵۵۸ است. با شکل‌گیری این سازوکار در فرایند تفکر در نهایت می‌توان ارتباط بین مشارکت و کشاورزی پایدار را با توجه به مدل مفهومی تحقیق ترسیم کرد.

با توجه به پایین بودن سطح مشارکت در روستاهای مورد مطالعه، وضعیت کشاورزی با میانگین ۱/۸۶ شرایط مناسبی ندارد و به‌طور کلی نتیجه به‌دست آمده بیانگر این است که هنوز تفکر پایدار در بین کشاورزان منطقه شکل نگرفته و بسترهای لازم برای تفهیم اصول آن در منطقه فراهم نشده است. امروزه با توجه به کارایی رهیافت مشارکت در رویکردهای ترویجی، در نظر گرفتن آن برای بهبود وضعیت کشاورزی پایدار، بس ضروری است. از این رو تغییر نگرش بهره‌برداران، ایجاد تفکر پایدار در قالب نهادهای مشارکتی و سازمان‌های غیردولتی راهکار مناسبی برای ارتقای دانش کشاورزان به‌شمار می‌آید. اگر چنین نشود، هرگونه حرکتی در این زمینه با هزینه زیادی همراه خواهد بود و نتیجه لازم را نیز در بر نخواهد داشت.

منابع

آتش‌پور، سیدحمید، نادى، محمدعلى و سيد پيمان رحيمى‌نژاد، ۱۳۸۷، مدیریت سازمان با رویکرد روانشناسی سازمانی، نشر علمی.

آغاز، محمدحسن، ۱۳۷۸، مشارکت: ابزار مدیریت عقلانی، نشریه تعاون، شماره ۹۱.

اسدی، علی و حجت ورمزیاری، ۱۳۸۹، ارزیابی پایداری نظام‌های کشاورزی، ماهنامه راهبرد یاس، شماره ۱۸.

اسکات، آلن، ۱۳۸۸، درآمدی بر فهم جامعه مدرن. کتاب سوم فرهنگ سیاسی، جنبش‌های سیاسی، ترجمه: رامین کریمیان، نشر آگه.

جیل‌عاملی، مجید، ۱۳۸۹، کشاورزی پایدار؛ راهکار موثر در افزایش بازدهی انرژی و هدفمندی یارانه‌ها، فصلنامه احیاء، شماره ۳۳.

جعفری، ابراهیم و رضاعلی نوروزی، ۱۳۸۳، تحلیلی بر چشم‌انداز تفکر در برنامه‌ریزی آموزشی، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱.

جمشیدی، علیرضا، تیموری، مصطفی، حاضری، محمد و کوروش روستا، ۱۳۸۸، عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی استان ایلام: مطالعه موردی شهرستان شیروان و چرداول، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱.

حاجی هاشمی، سعید، ۱۳۸۴، توسعه و توسعه‌نیافتگی: کلیات، اصول و ابعاد (با تأکید بر متد تفکر در توسعه)، انتشارات گفتمان اندیشه معاصر، اصفهان.

حسنی، علی، ۱۳۸۸، عوامل مؤثر بر توسعه یادگیری گروهی، ماهنامه معرفت، شماره ۲.

خورشید، صدیقه، لوکس، کارو و محمدسعید تسلیمی، ۱۳۸۷، نگرشی سیستمی به بهره‌وری تصمیم‌گیری گروهی، مجله پژوهش‌های مدیریت، شماره ۱.

رضا خسروبیگی و همکاران ————— بررسی نقش مشارکت مردم در کشاورزی پایدار نواحی روستایی

سعیدی، محمدرضا، ۱۳۸۲، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، انتشارات سمت، تهران.

سلیمانی، سمیه، میردامادی، سیدمهدی و سید فرج‌اله حسینی، ۱۳۸۸، بررسی عوامل تأثیرگذار بر نگرش کشاورزی پایدار مهندسیین ناظر طرح محوری گندم استان فارس، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶۸.

صبغ‌پور، علی‌اصغر، ۱۳۸۷، منافع فردی و منافع جمعی، ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی دفتر گسترش تولید علم.

عابدی سروستانی، احمد و منصور شاه‌ولی، ۱۳۸۷، ضرورت و ویژگی‌های پژوهش در اخلاق زیست‌محیطی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره‌های ۳ و ۴.

قانع‌راد، محمد امین و فریده حسینی، ۱۳۸۴، ارزش، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران)، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.

قربانی‌زاده، وجه‌اله و شیرین خالقی‌نیا، ۱۳۸۸، نقش انتقال دانش ضمنی در توانمندسازی کارکنان، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، شماره ۲.

قنبری، یوسف و حمید برقی، ۱۳۸۸، بررسی عوامل مؤثر بر افزایش بهره‌وری آموزش‌های روستایی، ماهنامه راهبرد یاس، شماره ۱۸.

گل‌شیری اصفهانی، زهرا، خادمی، حسین، صدیقی، رضا و مهدی تازه، ۱۳۸۸، تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره یک.

محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا، ۱۳۸۲، مشارکت اجتماعی در ایران، تهران، نشر آرون.

موسایی، میثم و ملیحه شیانی، ۱۳۸۹، مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۳۸.

نجفی، غلامعلی و شمس‌السادات زاهدی، ۱۳۸۴، مسئله پایداری در کشاورزی ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲.

هویدا، رضا، ۱۳۸۴، تفکر و آموزش در مدارس، فصلنامه آموزه، شماره ۲۵.

Finger & Stich, A., ۲۰۰۲, **Social Factors Enabling Local Peoples' Participation In Integrated Management Planning In The Context of Forested Mountain Territories**, Proceedings of the Research Course "The Formulation of Integrated Management Plans (IMPs) for Mountain Forests" Bardonecchia, Italy.

Lin, Y.R., Chi, Y., Zhu, S., Sundaram, H. and Tseng, B. L., ۲۰۰۹, **Analyzing Communities and Their Evolutions in Dynamic Social Networks**, ACM Transactions on Knowledge Discovery from Data (TKDD), special issue on Social Computing, Behavioral Modeling, and Prediction, Volume ۳, Issue ۲.

Primmer Eeva & Simo Kyllonen, ۲۰۰۶, **Goals for Public Participation Implied by Sustainable Development, and the Preparatory Process of the Finnish National Forest Programmer**, Forest Policy and Economics ۸, PP. ۸۳۸- ۸۵۳.